

زیر پوست شهر

کیلویی چند!



محمود برآبادی

ناشری کتابم را چاپ کرده بود و بعد از آنکه چندبار برای حق‌التألیفش تماس گرفتم و نتیجه نداد، رفتم دفترش. گفت: «شرمندم. می‌بینی که بازار کساد». این روزها کسی کتاب نمی‌خرد. مخصوصا این‌جور کتابا رو.»

گفتم: «مگه کتاب‌های من چشمه؟ تازه چندتا لاک‌پشت هم گرفته.»

گفت: «کسی به لاک‌پشت و خرگوش نگاه نمی‌کنه. کلا وضع خرابیه». خلاصه بعد از کلی کلنجاررفتن و بعد از آنکه قسم و آیه خوردم پول‌لازم هستم، ناشر محترم گفت: «الان دستم خالی است، ولی می‌تونی به‌جاش کتاب ببری». نمی‌توانستم بگویم کتاب به چه دردم می‌خورد. یک بسته کتاب به‌جای حق‌التألیف گرفتم و راه اقدام طرف خانه. کتاب‌ها سنگین بود و من هم که نمی‌توانستم تاکسی دریست بگیرم. با هر مکافاتی بود خودم را به نزدیک خانه‌مان رساندم. از اتوبوس پیاده شدم و بسته کتاب‌ها را در دست گرفتم و راه افتادم. چند قدم نرفته بودم که دیدم دو راننده با هم دعوایشان شده و دارند ارواح رفتگان یکدیگر را شاد می‌کنند.

راننده وانت رفت و از توی ماشین، قفل‌فرمان را برداشت و آمد و بالا برد که بزند تو سر راننده سواری. راننده سواری که هم غافلگیر شده بود و هم ترسیده بود، من را که دید با بسته کتاب ایستاده‌ام و آنها را نگاه می‌کنم، بسته را از من گرفت و بالا برد و سپر کرد.

راننده وانت نامردی نکرد و محکم کوبید روی بسته. کتاب‌ها روی زمین ولو شدند. گفتم: «بین چه‌کار کردی. کتابام خراب شد. من نویسنده کتاب هستم».راننده سواری گفت: «نویسنده کیلویی چنده؟»

گفتم: «حالا این کتاب‌ها را چی کار کنم؟» راننده گفت: «اول و آخرش که باید خمیر بشه.»

مردم رسیدند و راننده‌ها را از هم سوا کردند. من مشغول جمع‌کردن کتاب‌ها از زمین شدم. اولش ناراحت بودم، ولی بعدش به این فکر کردم و ناراحتی‌ام کم شد. با خودم گفتم کتاب‌های من که نمی‌توانست فکر این بنده خدا را عوض کند، لاقابل باعث شد که مغزش متلاشی نشود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

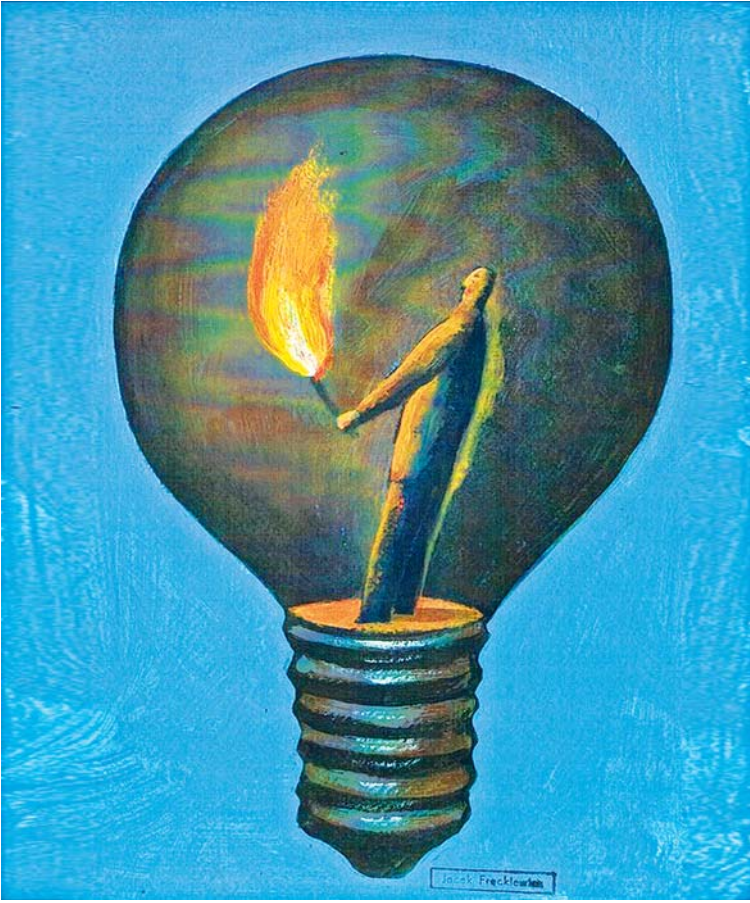
سه‌شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۷ • ۶ صفر ۱۴۴۰ • ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۶۹ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۶ • اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

جاسک فراکیبوج



فساد باید مدیریت شود



عبدالله نامری

اخلالگران همیشه در بخش اقتصاد بوده‌اند و با دستگیرکردن چند نفر نمی‌توان ساختار اقتصادی را درست کرد، چون مهم‌ترین مسئله در ساختار اقتصادی کشور، بوروکراسی درهم‌پیچیده‌ای است که فساد را نهادینه کرده است. درحال‌حاضر مهم‌ترین کاری که در این حوزه باید انجام شود، مدیریت فساد نهادینه‌شده است و این کار فقط بر عهده دستگاه قضائی نیست.

مجلس با اصلاح قوانین، دولت با اصلاح ساختار و همه در حوزه بیرون از قوه مجریه باید مانند برجام عزم و اراده خود را برای اصلاح اقتصاد به کار بگیرند.

اکنون مهم‌ترین مسئله در اقتصاد کشور که به نظر من اقتصاد را رنج می‌دهد، فساد است که در بخش‌های مختلف با افت‌وخیزهایی وجود دارد و نمی‌توان وجودشان را انکار کرد. مفسدان را در واقع می‌توان معلول دانست. بسیاری از افراد مفسد را

در واقع همین شرایط دیوان‌سالاری درهم‌پیچیده، قوانین بر قوانین دیگر سوارشده و کانال‌های موازی و تعدد دستگاه‌های موازی پدید آورده است؛ برای مثال بحث مدیریت ارز که بعد از جنگ همیشه در دست دولت بوده است و ارز به‌صورت تصنعی مدیریت می‌شد یا در زمان دولت احمدی‌نژاد که تحریم‌ها پیش آمد و برای دوزدن تحریم‌ها، مولید و عناصری مثل بابک زنجانی خلق شد.

این‌ها همه معلول آن ساختارها هستند؛ بنابراین اگر نه فقط صد نفر بلکه ده‌ها هزار نفر از مفسدان هم دستگیر شوند، بدون وجود آن زمینه‌ها و اصلاح آن ساختارها و بدون شفاف‌سازی مدیریت اقتصادی کشور هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد، چون این تجربه را داریم و از قدیم داشته‌ایم. قدیمی‌ترین پرونده کشور در ذهن اجتماعی مردم ایران شاید پرونده بانک صادرات و فاضل خداداد باشد. همان موقع که فاضل خداداد اعدام شد هم کسی باور نکرد که قرار است به‌طور جدی مثلا با فساد بانکی مبارزه شود و از آن به بعد نیز همان روندی که فاضل خداداد و افراد پرونده او را خلق کرد، همان ضوابط، مقررات و اختیارات و ساختارهای نامناسب هنوز وجود دارد و ما هم در این دهه چهارم جمهوری

پرنده آبی

تبلیغی که ضدتبلیغ شد

حل مشکل و موضوع را تعیین کند. اگر این مشکل، موضوع، ایده و... بتواند با استقبال ۵۰ هزارنفر روبه‌رو شود، قول داده شده که نماینده‌های مجلس آن را رسیدگی کنند. امضاهای کمتر از طرف بالاترین مقام مسئول آن توسط خبرنگاران آن خبرگزاری پیگیری می‌شود. درواقع این آگهی کمپینی است برای ثبت ایده و مشکلات مردم و پیگیری آنها. پس از توضیح درباره این آگهی در شبکه‌های اجتماعی سؤال‌های متعددی مطرح شد، از جمله اینکه پس خبرنگاران این خبرگزاری چه‌کار می‌کنند که ایده‌ها و سوزها را دیگران باید تعیین کنند؟ آیا این آگهی با هدف نزدیکی بین خبرگزاری و خواسته مردم منتشر شده است؟ بعضی هم خشن‌تر، اتهام ایده‌دزدی را مطرح کردند. از همه مهم‌تر اینکه آیا این رسانه آن‌قدر به خود اطمینان ندارد که از طریق رسانه‌های دیگر برای برقراری ارتباط با مخاطبانش

در یکی، دو روز گذشته یکی از خبرگزاری‌های شناخته‌شده آگهی استخدام سردبیر را در بخش تبلیغات یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های کشور منتشر کرده است. این آگهی که حتی خبرنگاران آن رسانه‌ها هم از آن اطلاعی نداشتند، در ابتدا با حیرت و شگفتی مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد. بیشتر سؤال‌ها بر این محور بود که اصلا این آگهی واقعی است یا فتوشاپ. پس از آن واقعی‌بودن این آگهی مورد تأیید قرار گرفت. البته روزنامه‌نگاران قدمی پیش‌تر گذاشتند و قبل از هر تحلیلی با شماره‌ای که درج شده بود تماس گرفتند و این پیام خودکار را تا انتها گوش دادند؛ پیامی که اعلام کرد هر کسی می‌تواند سردبیر شود اگر ایده‌ای داشته باشد و ایده و مشکل و سوزها او بتواند با استقبال روبه‌رو شود. از ۵۰ امضا تا ۵۰ هزار امضا می‌تواند سطح بررسی و برداشتن کام برای

با شیوه‌ی جدید پرداخت همراه پلاس به روز باشید



با همراه پلاس بانک ملت، کیف پول خود را شارژ کنید تا بتوانید بدون نیاز به کارت بانکی، با کیوارکد خرید و فروش انجام بدهید. قبض‌های خود را پرداخت کنید، کارت به کارت کنید، شارژ بخرید، تراکنش خود را چک کنید و



دریافت برنامه از www.mellat-bank.ir